



ترقی و انکشاف اقتصادی و فرهنگی تاجکستان و ازبکستان

در دوره بعد از سقوط شوروی

یک ارزیابی از چشم‌پردها

در بازی‌های اولمپیک ۲۰۲۴ پاریس، تیم سپورتنی ازبکستان، بعد از کانادا، با بدست آوردن هشت مدال طلا، دو نقره و سه برنز مقام سیزده هم‌جهانی را بدست آورد که در تاریخ انکشاف سپورت این کشور بی سابقه بوده است.

نویسنده که سه ماه قبل طی یک سفر تفریحی از دو کشور ازبکستان و تاجیکستان دیدن نمود و آنرا با ۳۱ سال قبل که آن وقت در این دو کشور نیز سفر نموده بود، یک مقایسه زمین تا آسمانها را مشاهده نمود که باید انگشت حیرت به دندان گزید.

ولی هدف نویسنده تعریف مبالغه‌آمیز و یا با احساسات قومی - زبانی (معمول در بخش کلتور نا میمون افغانی میان تعداد زیاد روشنفکران) نیست که من به ساده‌گی متهم به این و آن گردم. بلکه یک سفر تفریحی ولی در پهلوی آن یک بررسی از تغییرات و انکشافات همه‌جانبه در این دو کشور بوده است که در سه هفته برایم ممکن بوده است و نمیتوان آنرا یک بررسی عمیق و همه‌جانبه تلقی نمود.

بدون شک باید این تغییرات و انکشاف را بحیث یک الگو و مثال خوب برای رشد و انکشاف سالم یک جامعه به تصویر کشید و این سوال را باید مطرح نمود که ما و آنها چرا در یک تفاوت زمین و تا به آسمانها قرار داریم.

این تغییرات را در چند بعد میتوان به مقایسه گرفت.

- ۱- جایگاه وزین و پر ارج زنان،
- ۲- تغییر در سطح زنده‌گی مردم،
- ۳- پذیرش کلتور و فرهنگ پیشرفته،
- ۴- حفظ، حمایت و ارزشمندی بزرگ به ارزش‌ها و داشته‌های تاریخی، ملی، کلتور و ارزش‌های بزرگ حوزه تمدنی قرون قبلی،
- ۵- امنیت و مصئونیت شخصی و فامیلی،
- ۶- داشتن غرور و افتخار به ارزش‌های اجتماعی و تاریخی بدست آمده،
- ۷- نقش رهبران سیاسی در ارزش‌ها و ایجاد‌گری و تشویق شهروندان به خلاقیت‌ها و ایجاد‌گریها جدید. این هم نا ممکن نیست که در این دو کشور هنوز پدیده فساد و اختلاس زمان بعد از فروپاشی شوروی در شکل‌گیری حلقه‌های ثروتمند جدید وجود نداشته باشد و لی باید در یک موضوع کنجکاو بود و سوال مطرح نمود که چگونه جامعه با آنها در نظم، امنیت و انکشاف غیر قابل باور قرار گرفته است.

در کشور ازبکستان (شهر های تاشکند، بخارا و سمرقند که من از آنها دیدن کردم) هیچ گاهی خود را غیر مصیون احساس نمیکنید، پولیس، مزاحمت بخاطر پول، آنچه سی سال قبل موضوع معمولی روز بود، دیگر مزاحم گشت و گذار شما نیست و با مزاحمت های بخاطر پول با کسی کار ندارد.

روان مردم را میخوانید که هر کسی در سطح زنده گی خویش، بدون ترس، ارعاب و تعرض به مصئونیت فردی و خانواده گی، از زنده گی خویش لذت میبرد. مردم و بخصوص تحصیل کرده ها اصلن به موضوع تعلیقت زبان و قومیت (مظهر عقب مانده گی فرهنگی) همه توانائی فکری خود و وقت گرانبهای خود را صرف نمیکنند. نظم شهری و سیستم خدمات شهری در سطح بلند و بالنده گی وجود دارد.

بیشترین فروشنده گان، عرصه خدمات شهری و بازار زنان اند. زنان حق دارند انتخاب با لباس عنعنوی، اسلامی و لباس مدرن در زنده گی اجتماعی و اقتصادی رول خویش را ایفا نمایند.

به ساده گی این احساس (یگانه) را در نسل یا جنریشن های مختلف درمی یابید که همه به افتخارات گذشته و زنده گی تمدنی کنونی خویش افتخار میکنند. هر ناحیه منطقه، سرک، کوچه و پارک با نامهای معماران بزرگ شان از عرصه های اقتصاد، علوم، هنر و فرهنگ، شعرا و نویسندگان بزرگ مسما شده که از میان نخبه گان ازبک، ترکمن، تاجیک و اقلیت های کوچک (بدون تبعیض عقده و حسادت) برگرفته شده اند.

کشور تاجیکستان را جالب تر یافتیم که انکشافات چشمگیر در بعد های که در بالا تذکر یافته اند، قرار گرفته شده است.

آقای امام علی رحمانوف، رئیس جمهور تاجیکستان به حق یک ناجی ملت، سمبول وفاق، ترقی و تنور، تشویق به خلاقیت های فکری و یک شخصیت پر ارج برای همه مردم تاجیکستان است (بجز عقب گرا های مذهبی که در حد گروه های کوچک به مشکل جا و مجال تنفس برای زهرپاشی اجتماعی و نفاق دارند). آقای رحمانوف را دیگر به عنوان « جناب عالی» یاد میکنند. وقتی من خود م بیشتر بر روند انکشافات تاجیکستان تعمق و کنجکاوی نمودم، این شخصیت بلند مرتبت برای مردم تاجیکستان به دلائل زیر قابل حرمت شده و با شایستگی بر حق یک رهبر ملی است:

۱- او توانست جنگ داخلی تاجیکستان را در وجود پیروان خط فکری جمعت اسلامی آقای ربانی و احمد شاه مسعود و حزب اسلامی گلب الدین حکمت یار با مهارت و سیاست خیلی وطنی پایان دهد، بدون اینکه همه هستی مادی جامعه با تداوم جنگ خانمانسوز از بین برود. پل ها، سرک ها و شهر ها از آسیب جنگها ها در آمان ماند و گروه های رقیب و جنگ طلب راهی غار های موشها شدند.

آقای رحمانوف در رول و موقعیت یک مشوق خیلی ها وطنپرست برای آبادی، انکشاف فرهنگ، تنور و حفظ ارزش های تاریخی و فرهنگی و تمدنی کشور و مردم تاجیکستان قرار دارد. او اطفال مکاتب را از دوره ابتدائی تشویق به خلاقیت های فکری، فرهنگی و هنر مینماید و برای اطفال ممتاز، والدین و معلمین مشوق آنها جوایز تشویقی تعیین نموده است.

او و تیم کاری اش از طریق وسائل رسانه ئی پذیرش، اهمیت، انکشاف و تداوم چند اصل و ارزش های زیر را در سر خط تطبیق پالیسی خویش قرار داده است:

۱- منع هرگونه تبلیغات بخاطر ترویج عقبگرایی و بنیادگرایی بر بنیاد مذهب، قوم و زبان.

۲- تبلیغ اصل وحدت ملی متکی بر اصل وطنپرستی، تمدن معاصر در مطابقت با ارزش های ملی و تاریخی تاجیکستان.

۳- با وجود تلاش های کشور های مانند ایران مبتنی بر نفوذ سیاسی، زبانی و تحت نام حوزه تمدنی زبانی، توانسته است دولت و مردم این کشور اصل استقلالیت کشور خود را مقدم تر از آن در نظر گرفته بر ارزش های ملی خویش اهمیت نخستین بدهد.

۴ - آقای رحمانوف یک مشوق بزرگ و قابل حرمت بزرگ است که او کلتور کتابخوانی را روز تا روز با حیات فرهنگی تشویق نموده، چیره میسازد. او اولین کسی است که سنگ تهداب کتابخانه ملی تاجیکستان را در سال ۲۰۱۲ گذاشت و تحت نظر مستقیم خویش این کتابخانه تکمیل و اکنون دارند ه بیش از چهار میلیون کتاب به زبانهای مختلف است و تا چهل میلیون کتابهای دیجیتالی قابل دسترسی اند.

شهر دوشنبه که اکنون یک شهر مدرن، جدید و با نظم عالی شهری است، مظهر یک انشکاف، ترقی بزرگ است که بدون شک به یک شهر دیدنی مبدل شده است.

اکنون اگر بر وطن نگونبخت خویش برگردیم که در طی سه سال حاکمیت طالبان جامعه ما برای دو صد سال دیگر به عقب برگشته است.

در اینجا چه میگذرد؟

- ملا های عقبگرا و با دانش و بینش کوچک پیوسته از تطبیق شریعت طالبانی و حجاب اجباری در تاجیکستان فتوا میدهند و این جامعه اسلامی در شاهراه تمدن و انکشاف را کفری میخوانند.

- ملای مسجد در کشور ما از دید اسلامی خودش میگوید: « عالمان و متخصصین علوم ، پروفیسور ها و استادان مجامع اکادمیک همه بی سواد اند چون از شریعت « در واقع شرریت » شان کمتر میدانند!!!!

- ملای افغان که چشمانش از حدقه بیرون شده است میگوید « فلان زن را بخاطر مجازات و عبرت !!! باید نیمه برهنه و کلن برهنه در ملای عام بسازید!!!!، مسلمان که نکشد، مسلمان نیست،

- همه مردمان دنیای متمدن چهار پای اند!!!!

- ملای طالبی از آدرس ملا هبیت الله می گوید :« ما مکتب نمیخواهیم زیرا این پدیده کفر و الهاد و آمریکائی است. ما مدرسه میخواهیم»!!!!

- طالبان با حسادت، نفرت و بد بینی با اتخاذ سیاست تبعیضی علیه زن، مانع رشد فکری ، خلاقیت و ایجاد گری زن قرار دارد .

- همه سیاست طالبی متمرکز به ریش، حجاب و کنترل زنده گی شخصی شهروندان شده است، وزارت امر بالمعروف، اکنون به معروف ترین سازمان جهنمی ظالم و خفقان زنده گی عادی مردم شده و به دست راست استخبارات جهنمی طالبان مبدل شده است.

- طالبان پرورده شده در خشونت، محصول خشونت و عامل خشونت باقی مانده است،

- طالبان با فرهنگ و تمدن فرهنگی، زبانی و تاریخی کشور به مانند «کارد و گوشت» عمل و با حسادت، نفرت علیه آنها قرار دارند و در سدد تحت فشار قراردادن تدریجی و سیاست پلان شده زبانهای غیر پشتو قرار دارد.

- طالبان وطنپرسی را فقط با اسلام ساخته خودش، تبعیض علیه زن، زبان ، زکاوت و دانش بشری خلاصه کرده اند،

- طالبان با سر بلند و ذهنیت پست و دیدگاه در عمق عقب مانده گی میگویند که در سه سال اخیر ۲۷۰۰۰ آلات موسیقی را از بین برده اند، یعنی نان بیش از یکصد هزار شهروند هموطن از هنرمندان و خانواده های شان را از حلقوم شان گرفته اند.

من باید یکبار دیگر تأکید نمایم که من قماش طالب و هواخواهان رو و عقب پرده طالب را در عین آئینه دودزده و پر لکه های عقبگرائی میبینم که سه سال میگفتند: « بگذارید به طالبان وقت داده شود، ممکن تغییرات در عمل و کردار شان به وجود بیاید!!!!». اکنون آخرین تغییر که انتظار آن میرفت ، تصویب قانون حجاب و سختگیری های جدید و شدید تر ، کنترل بر همه ارزش های شخصی و خانواده گی علیه زنان، ترقی اجتماعی و حقوق ابتدائی بشری اند.